

امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول‌گرایی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۲۵

سید جلال دهقانی فیروزآبادی*

وحید نوری**

چکیده

با آغاز دوران اصول‌گرایی در جمهوری اسلامی، رویکرد گفتاری و رفتاری ایران در عرصه سیاست خارجی متحول گشت. سؤال اصلی مقاله پیش روی آن است که علت تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان چیست؟ به عنوان فرضیه اصلی استدلال می‌شود که احساس ناامنی هستی‌شناختی منجر به صورت‌بندی مجدد منابع هویت‌ساز سیاست خارجی و در نتیجه تغییر در رویکرد اصول‌گرایان به عرصه خارجی شده است. این مقاله همچنین به واکاوی دیپلماسی هسته‌ای اصول‌گرایان به عنوان مهمترین جلوه این تغییر رویکرد می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: منبع هویت‌ساز، امنیت هستی‌شناختی، اصول‌گرایی، دیپلماسی هسته‌ای

Email: jdehghani20@Yahoo.com

* استاد روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

Email: V.Noori@Hotmail.com

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی (ره).

فصلنامه مطالعات راهبردی • سال پانزدهم • شماره سوم • پاییز ۱۳۹۱ • شماره مسلسل ۵۷

مقدمه

با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۴، دوران موسوم به اصول‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پدید آمد. اتخاذ دیپلماسی تهاجمی در عرصه خارجی، روی‌گردانی از غرب و گرایش به شرق، کشورهای اسلامی، آمریکای لاتین و آفریقا، تشدید رویکرد خصمانه نسبت به رژیم صهیونیستی و تأکید بر حفظ و پیشبرد فناوری هسته‌ای، از مهمترین مؤلفه‌های تغییر در سیاست خارجی این دوره در مقایسه با سیاست خارجی دوران سازندگی و اصلاحات به شمار می‌رود. نگاهی دقیق به اظهارات سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی و واکاوی رفتارهای خارجی آنان، نظم‌گفتاری و رفتاری دهه نخست انقلاب اسلامی را تداعی می‌کند.

مقاله پیش رو درصدد تبیین علل بازبینی و تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان و دیپلماسی هسته‌ای آنان، به عنوان مهمترین جلوه رفتاری این تغییر می‌باشد. رئیس دولت اصول‌گرا به مراتب بیشتر از رؤسای جمهور گذشته ایران در مجامع و رسانه‌های بین‌المللی حاضر می‌شود و دیدگاه‌های خود نسبت به تحولات جهانی را بیان می‌کند؛ دیدگاه‌هایی که برخاسته از هنجارهای اسلامی، انقلابی و جهان‌سوم‌گرایی است. بنابراین، سؤال اصلی نوشتار حاضر آن است که علت تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان و اتخاذ دیپلماسی تهاجمی از سوی آنان چیست؟ رهیافت‌های گوناگون تحلیل سیاست خارجی پاسخ‌های متفاوتی به این سؤال می‌دهند، اما در این مقاله با بهره‌گیری از یافته‌ها و بصیرت‌های نظریه «امنیت هستی‌شناختی» به این سؤال پاسخ داده می‌شود. پاسخ موقت به عنوان فرضیه اصلی آن است که احساس ناامنی هستی‌شناختی در سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی منجر به بازتعریف و صورت‌بندی مجدد منابع هویت‌ساز سیاست خارجی و در نتیجه، تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان شده است.

دیپلماسی هسته‌ای اصول‌گرایان نیز در این چارچوب معنا می‌یابد. پرونده هسته‌ای ایران در این دوره با طرح در شورای امنیت سازمان ملل و صدور شش قطعنامه، به امنیتی‌شدن این پرونده در نظام بین‌الملل انجامیده است. تشدید تحریم‌های بین‌المللی و تهدیدات نظامی ایالات متحده و رژیم صهیونیستی نیز از دیگر ابعاد این مسئله است که هم‌اکنون به منازعه‌ای

میان ایران و دولت‌های غربی بدل شده است. بنابراین، دیگر سؤال این مقاله آن است که به رغم هزینه‌های امنیتی، سیاسی و اقتصادی، علت اصرار جمهوری اسلامی بر موضع هسته‌ای خود چیست؟ در پاسخ، به عنوان فرضیه استدلال می‌شود که دیپلماسی هسته‌ای اصول‌گرایان به عرصه‌ای برای بازتولید رفتارهای روالمند برخاسته از هویت اسلامی - انقلابی اصول‌گرایان بدل شده است. به تعبیر دیگر، این دیپلماسی که از یک سو بر احساس ناامنی هویتی و از سوی دیگر بر نیت و نوع رفتار دولت‌های غربی استوار است، با هدف فائق‌آمدن بر احساس مزبور دنبال می‌شود.

این مقاله در یک مقدمه، چهار بخش و نتیجه‌گیری پایانی تنظیم شده است. بخش نخست به مباحث روشی می‌پردازد. در بخش دوم نظریه امنیت هستی‌شناختی به عنوان چارچوب نظری و مفهومی مقاله، به اختصار تشریح می‌گردد. در بخش سوم منابع هویت‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تشریح و رفتارهای روالمند مستخرج از آنها بیان می‌شود. بخش چهارم به عنوان کانون پژوهشی مقاله، خود مشتمل بر چند بند است؛ در بند نخست، به رصد احساس ناامنی هستی‌شناختی در اظهارات سیاست‌گذاران خارجی جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت. پس از آن واکنش اصول‌گرایان به این احساس ناامنی، در قالب تجدید نظر در منابع هویت‌ساز و تغییر رویکرد سیاست خارجی تبیین می‌شود. در بند سوم، به منظور برداشت عینی‌تر از این تغییر رویکرد، اظهارات رئیس‌جمهور در نشست‌های مجمع عمومی سازمان ملل، تحلیل محتوای کمی می‌شود. در بند پایانی نیز، دیپلماسی هسته‌ای اصول‌گرایان به عنوان تجلی رفتاری این احساس ناامنی تبیین خواهد شد.

الف. چارچوب روشی

این مقاله از استراتژی پژوهشی قیاسی پیروی می‌کند. در این راستا برای توضیح دلایل تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان و دیپلماسی هسته‌ای آنان از ظرفیت‌های تبیینی «نظریه امنیت هستی‌شناختی» بهره‌گیری خواهد شد. طبق استراتژی پژوهشی قیاسی، آزمون فرضیه‌های مأخوذ از نظریه، در واقع خود نظریه را مورد آزمون قرار می‌دهد و اثبات فرضیه‌ها بیانگر قابلیت تبیینی نظریه مورد نظر است (بلیکی، ۱۳۸۹: ۱۴۱).

از سوی دیگر، نویسنده به منظور اثبات فرضیه‌های خود از تحلیل محتوای کمی و کیفی بهره می‌گیرد. از منظر برلسون، تحلیل محتوای کمی «تکنیکی پژوهشی برای توصیف عینی، منظم و کمی محتوای آشکار پیام‌ها» است (به نقل از کریپندورف، ۲۰۱۳: ۲۶). در مقابل، تحلیل محتوای کیفی به جای تمرکز صرف بر پیام‌های تولیدشده، بر فرآیند تولید پیام‌ها و مضمون اجتماعی ساخت متون تأکید می‌کند. از این منظر، تولیدکننده پیام فاعل خودآگاهی در نظر گرفته می‌شود که در بستر اجتماعی خاص، مخاطبان خود را مورد توجه قرار می‌دهد (سید امامی، ۱۳۸۷: ۳۷۹). جامعه آماری تحلیل محتوای کمی، سخنرانی‌های رئیس جمهور در مجمع عمومی سازمان ملل می‌باشد که هر ساله در ماه سپتامبر برگزار می‌شود. در تحلیل محتوای کیفی نیز اظهارات مقام معظم رهبری و با تأکید بیشتر، رئیس جمهور مورد بررسی قرار گرفته است.

ب. چارچوب نظری: نظریه امنیت هستی‌شناختی

نظریه امنیت هستی‌شناختی^۱ در تحلیل روابط بین‌الملل و سیاست خارجی از نظریه وجود انسانی آنتونی گیدنز در سطح فردی استنتاج شده است. گیدنز معتقد است انسان‌ها به «احساس تداوم و نظم در حوادث، از جمله حوادثی که مستقیماً در محیط ادراکی فرد قرار ندارند» نیاز اساسی دارند (Giddens, 1991: 243). به نظر وی درک افراد از «خود» باید «به طور روزمره و عادی از طریق فعالیت‌ها و اقدامات واکنشی فرد تولید و حفظ شود» (Giddens, 1991: 52). در صورتی که افراد بتوانند همواره «پاسخ‌هایی» به سؤالات بنیادین درباره خود ارائه دهند، احساس امنیت هستی‌شناختی در آنها تأمین می‌شود (Giddens, 1991: 47). امنیت هستی‌شناختی تلاشی است برای تأمین امنیت «خود» نه جسم (Mitzen, 2006: 344). همانگونه که سیگل بیان می‌دارد، «انگیزه قوی برای حفظ هویت در انسان‌ها وجود دارد. نوعی احساس تداوم که ترس از تغییر و تحول فوری، فاحش و ناخواسته در اثر فشار نیروها و عوامل بیرونی را تخفیف و کاهش می‌دهد» (Sigel, 1984: 459). ولی این واقعیت که انسان‌ها در پی کسب هویت باثبات و مستمر هستند، دال بر وجود آن نیست، چرا که هویت‌ها اموری

متصلب نیستند، بلکه باید آنها را به صورت فرایند شدن^۱ در بستر زمان تلقی و تصور نمود. بنابراین، در صورت هرگونه اختلال در فرایند تولید و بازتولید هویت، احساس ناامنی هستی‌شناختی در انسان ایجاد می‌شود.

نظریه امنیت هستی‌شناختی در سال‌های اخیر توسط برخی از نظریه‌پردازان در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی به کار گرفته شده است. جنیفر میتزن از پیشگامان این مسیر است که از این نظریه در تحلیل رقابت‌های دیرینه بین‌المللی بهره‌جسته است. به نظر وی، برخلاف مفروض واقع‌گرایی که دولت‌ها را در صدد فرار از تنگناهای امنیتی^۲ می‌پندارد، بسیاری از دولت‌ها به استقبال تنگناهای امنیتی می‌روند تا از این طریق امنیت هستی‌شناختی خود را تأمین کنند (Mitzen, 2006).

تد هوب نیز با خلق مفهوم «منطق عادت»^۳ در برابر منطق نتیجه و تناسب، از منطق جدید که مبتنی بر امنیت هستی‌شناختی است در تحلیل همکاری‌ها و رقابت‌های بین‌المللی بهره‌می‌گیرد (Hopf, 2010). از این منظر، نه تنها افراد، بلکه سایر موجودیت‌های اجتماعی نظیر دولت‌ها نیز در پی تأمین امنیت هستی‌شناختی هستند. به عبارت دیگر، دولت‌ها نه تنها در صدد تأمین امنیت فیزیکی و مادی یعنی سرزمین و ساختار حکمرانی خود هستند، بلکه امنیت هویت خویش به عنوان بازیگر متحد حقوقی را نیز جستجو می‌کنند. این احساس امنیت از فهم ثابت و مستمر دولت‌ها از هویت، ارجحیت‌ها، اهداف و منافع خود حاصل می‌شود.

عدم اطمینان و قطعیت، محرک امنیت‌جویی هستی‌شناختی در سیاست خارجی دولت‌هاست. هنگامی که دولت‌ها در شرایط عدم قطعیت و در نتیجه ناامنی هستی‌شناختی قرار می‌گیرند، در صدد بازتولید درک پیشین از خود بر می‌آیند.

عدم قطعیت، احساس خودبودن و حفظ هویت را دشوار می‌سازد، زیرا کارگزاری نیازمند محیط شناختی و معرفتی باثبات است. دولت‌ها اطمینان و قطعیت را از طریق ایجاد رویه‌های عادی و عادت‌های جاری و همچنین هویت‌های جمعی چون ملی‌گرایی و مذهب به وجود می‌آورند (Mitzen, 2006: 342). عادت‌ها عدم قطعیت شدید را تعدیل و تخفیف

1. Process of Becoming

2. Security Dilemma

3. Logic of Habit

داده و محیط تهدیدزا را تحت کنترل معرفتی و شناختی در می‌آورند و به این ترتیب کنش و اقدام را ممکن می‌سازند (Mitzen, 2004: 3). در واقع عادات، سازوکارهایی برای پیگیری و تأمین امنیت هستی‌شناختی هستند.

به مجموعه این عادات و روال‌های فردی‌شده که کشورها تکوین و توسعه می‌دهند، «نظام اعتمادپایه»^۱ گفته می‌شود که به مانند «پبله‌هایی شناختی»^۲، دولت‌ها را در بر می‌گیرند و علم و آگاهی آنها از کلیه حوادث ممکن که می‌تواند تهدیدکننده باشد را طبقه‌بندی و حفظ می‌کند (Giddens, 1991: 42-43). این نظام دولت‌ها را قادر می‌سازد خود را به صورت «خود» با مجموعه‌ای از هویت‌ها و منافع تعریف کنند که باید در روابط با دیگران آنها را پیگیری و محقق سازند. از این رو، ممکن است امنیت هستی‌شناختی در تضاد با امنیت فیزیکی دولت‌ها قرار گیرد؛ به این معنا که ممکن است دولت‌ها برای تداوم تعریف از خود و دیگران و احساس کارگزاری در نظام بین‌الملل، امنیت فیزیکی خود را به خطر انداخته و به استقبال منازعه با دیگران بروند تا از این طریق، تعریف تثبیت‌شده‌ای از دوست-دشمن و خود-دیگری به دست آورند و از شفافیت و وضوح این مرزهای هویتی احساس اطمینان کنند. این بدان معناست که امنیت هستی‌شناختی، همانند امنیت فیزیکی، محرک و انگیزه رفتاری قوی و مهم برای کشورها در عرصه سیاست خارجی است (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۸: ۲۶۲).

ج. منابع هویت‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

هویت در کانون توجه نظریه امنیت هستی‌شناختی قرار دارد. بنابراین، در این بخش درصدد واکاوی هویت و منابع هویت‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هستیم. هویت جمهوری اسلامی آگاهی و تصور این نظام سیاسی از خود بر اساس برداشت و تصور سایر کشورها از آن است که باید به طور پیوسته و مداوم در حیات سیاسی روزمره بازتولید و از طریق کوشش‌ها و رفتارهای خویش مورد تصدیق و حمایت قرار گیرد (برگرفته از گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۱). منظور از منابع هویت‌ساز نیز مجموعه نظام‌های ارزشی و هنجاری است که باعث قوام و تکوین

1. The Basic Trust System
2. Cognitive cocoon

ویژگی‌ها و خصوصیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دولت-ملت ایران می‌شود و آن را از سایر دولت-ملت‌ها متمایز می‌سازد. این منابع هویت‌ساز مبنای درک و تفسیر سیاست‌گذاران از عرصه روابط بین‌الملل و وقایع و انگیزه‌های بازیگران دیگر می‌باشد که در مرحله بعد، واکنش مناسب در برابر آنها را نیز تعریف می‌کنند. تاریخ ایران، دین اسلام و مذهب تشیع، گفتمان انقلاب اسلامی، جهان سوم‌گرایی و ژئوپلتیک ایران، پنج منبع هویت‌ساز در سیاست خارجی ایران هستند (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۷۰) که به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرند.

۱. تاریخ ایران

یکی از منابع هویت‌ساز ایران، تاریخ پر فراز و نشیب هزاران‌ساله آن تا دوران معاصر است. جمهوری اسلامی نیز به مانند دیگر دولت‌ها با «روایت»^۱ تاریخ به شیوه‌ای خاص، آن را پشتوانه عملکرد امروزین خود قرار می‌دهد (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۱۹). به تعبیر دیگر، ایرانیان همانگونه که خود حاصل تاریخ هستند، به نوعی دوباره آن را برمی‌سازند و با روایت مجدد تاریخ، به آن افتخار یا از آن احساس حقارت می‌کنند. این احساس افتخار یا حقارت، یکی از منابع مهم مشروعیت‌بخشی یا مشروعیت‌زدایی از وقایع و رفتارهای رایج در سیاست خارجی است (توکلی طرقي، ۱۳۸۲: ۲۴-۹).

از عناصر مرتبط با تاریخ ایران، اسطوره‌های ایرانی است (احمدی، ۱۳۸۳: ۱۹۵). اسطوره را نوعی تفسیر فلسفی از جهان و یا تبیین گذشته توسط فرضیه‌های مجازی و افسانه‌ای دانسته‌اند که جانشین تحلیل علمی می‌شود و ناخودآگاه گروهی را به قسمت خودآگاه آنان پیوند می‌زند (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۷۳). اسطوره‌های ایرانی بسیار فراوانند و پدیده‌های گوناگونی را در بر می‌گیرند. به عنوان نمونه می‌توان به جایگاه منحصر به فرد ایران در میان سایر سرزمین‌ها (رضایی راد، ۱۳۷۸: ۲۱۹-۱۱۴) و نحوه آفرینش جهان و تقسیم آن به دو حیطه اهورایی و اهریمنی اشاره کرد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۷۴). جدال این دو طرف که یکی همراه با خوبی و نور است و دیگری همراه با بدی و تاریکی، همواره بر فرهنگ ایرانی سیطره داشته است.

دیگر عنصر مهم در تاریخ ایران، جلوه‌های شکوه آن است. سابقه هفت هزار ساله تمدن ایرانی چنان جلوه‌های شکوه و عظمتی دارد که کمتر ملتی در این خصوص توان هم‌آوردی با آن را داراست. هخامنشیان، وسیع‌ترین امپراطوری تاریخ ایران را به وجود آوردند که مرزهای آن از شمال به کوه‌های قفقاز، دریای خزر و رود سیحون و از مغرب به داردانل و مدیترانه تا شمال آفریقا می‌رسیده است. مرز جنوبی این امپراطوری نیز عربستان و دریای عمان بوده و از شرق تا رود سیند و کوه‌های هندوکش تداوم می‌یافته است. شکفت‌انگیزتر از وسعت این امپراطوری، نحوه مدیریت آن بوده است. کوروش توانسته بود با نوعی رواداری، ملت‌های گوناگون را که در گذشته در توحش به سر می‌بردند، تحت فرماندهی واحد درآورد (هوار، ۱۳۶۳: ۲۱۰). وی در مراسم‌های گوناگون آنها شرکت می‌کرد و هر ملتی اجازه داشت مؤسسات ملی و سلسله امرا و روحانیون خود را داشته باشد (مهرآبادی، ۱۳۸۰: ۵۶۲-۵۶۱). افلاطون، فیلسوف یونان باستان، در این خصوص کوروش را بی‌مثال دانسته به گونه‌ای که سرمشق یونانیان بوده است (خدادادیان، ۱۳۸۳: ۲۰۹).

در کنار این جلوه‌ها، تاریخ ایران صفحات دیگری مشحون از افول، شکست و اشغال دارد. حمله‌های اسکندر مقدونی، چنگیز مغول و تیمور لنگ خسارت‌های فرهنگی - تمدنی فراوانی برای ایران به همراه داشته است. در دوران معاصر نیز حضور روسیه و انگلیس در ایران از تجربیات بسیار تلخ ایرانیان است که به تعبیر گراهام فولر مانند منگنه این کشور را از شمال و جنوب در تنگنا قرار داده بودند (فولر، ۱۳۷۳: ۱۵۸). دو دوره جنگ‌های ایران و روس که منجر به جدایی سرزمین‌های شمالی ایران شد (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۴: ۲۳۷)، جدایی هرات توسط انگلیسی‌ها و تحمیل امتیازهای استعماری رویتر، هوتز، تالبوت، داری، خوشتاریا، بانک شاهنشاهی، راه آهن، گمرکات و غیره (موسوی، ۱۳۸۴: ۷۵-۲۴)، همواره خاطر ایرانیان را می‌آزارد. قرارداد وثوق‌الدوله - کاکس، اشغال ایران در دو جنگ جهانی اول و دوم، طراحی کودتای ۱۲۹۹ و ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ از دیگر مصادیق سیاست‌های روس و انگلیس در ایران است.

۲. دین اسلام و مذهب تشیع

دین اسلام و مذهب تشیع مهمترین عنصر قوام‌بخش به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. فرهنگ اسلامی به طور عام و چارچوب فقهی آن به طور خاص، به عنوان مجموعه «شناختی» و در عین حال «ارزشگذارانه»، بر درک ایرانیان از پدیده‌های بیرونی تأثیر می‌گذارد (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۲). یکی از مهمترین مؤلفه‌های دینی ایرانیان پیوند وثیق دین و سیاست است که ریشه‌های آن بسیار ژرف و به دوران هخامنشی باز می‌گردد (نقیب‌زاده، ۱۳۸۱: ۹۶-۹۳). با تشریف ایرانیان به اسلام و مذهب تشیع، این پیوند قویتر شد و در دوران صفویه به اوج خود رسید، اما از دوران مشروطیت این پیوند از سوی طیفی از روشنفکران سکولار مورد تردید قرار گرفت و به عنوان عامل بسیاری از مشکلات نظیر استبداد و عدم توسعه‌یافتگی قلمداد گردید (درخشه، ۱۳۸۸: ۹۲). پس از چند دهه تلاش برای ترویج حکومت سکولار در ایران، این پیوند مجدداً در انقلاب اسلامی برقرار گردید. اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی بر ضرورت اسلامی بودن کلیه قوانین تصریح دارد.

«عدالت‌طلبی» از دیگر مؤلفه‌های دینی ایرانیان است که ریشه‌های آن نیز به پیش از اسلام باز می‌گردد. در ایران باستان و اندیشه زرتشتی، عدالت و دادگری صفت اهورا مزداست و در شاهنامه فردوسی قهرمانان ایرانی همواره با صفت دادگری توصیف شده‌اند. گرایش ایرانیان به عدالت با آمدن اسلام و مذهب تشیع تشدید شد و اصولاً یکی از دلایل گرایش ایرانیان به تشیع، همین روحیه عدالت‌طلبی آنان بوده است (مجتهدزاده، ۱۳۸۳: ۲۳۲ - مطهری، ۱۳۸۳: ۱۲۶-۱۲۷). با وقوع انقلاب اسلامی، عدالت‌طلبی بار دیگر تقویت گردید و نه تنها سیاست داخلی، بلکه سیاست خارجی نظام جدید را عمیقاً تحت تأثیر قرار داد. حمایت از مستضعفین در مقابل مستکبرین و حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش، از مهمترین بازتاب‌های عدالت‌طلبی است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۲۲).

قاعده نفی سبیل کافرین بر مسلمین، از دیگر قواعد بسط‌یافته به سیاست خارجی ایران است. این «قاعده ثانویه» به مانند «حق و تو» عمل می‌کند و هر جا انعقاد قرارداد سیاسی، اقتصادی، نظامی و مانند آنها که فی‌نفسه جائز است، اما در مرحله ثانویه زمینه‌ساز تسلط کافران بر مسلمانان است، وارد می‌شود و آن قرارداد را باطل می‌کند (شکوری، ۱۳۶۱: ۳۸۶).

آرمان ظهور امام زمان (ع) از دیگر مؤلفه‌های هویت دینی جمهوری اسلامی است. ایرانیان با استناد به برخی روایات درباره وقوع نهضت مقدماتی در شرق پیش از ظهور^(۱)، انقلاب اسلامی را زمینه‌ساز تحقق این آرمان دیرینه می‌دانند (عشقی، ۱۳۷۹، ۷۵-۶۲). علاوه بر این، تصریح برخی روایات دیگر به جایگاه ایرانیان در تحقق آرمان ظهور (طبسی، ۱۳۸۲: ۵۸- فاضلی‌نیا، ۱۳۸۸: ۲۹۶) نیز موجب تلقی خاص ایرانیان از جایگاه منحصر به فرد خود شده است. تلاش برای صدور انقلاب، تجدید نظرطلبی در نظم بین‌المللی موجود و حمایت از جنبش‌های رهایی‌بخش، از بازتاب‌های آرمان ظهور در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است.

۳. گفتمان جهان سوم‌گرایی

جهان سوم‌گرایی از دیگر منابع هویت‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. این نظام معنایی ماهیتی ضد استعماری، ضد امپریالیستی و ضد هژمونیک دارد. جهان سوم‌گرایی مخالف وضع و نظم سیاسی- اقتصادی بین‌المللی موجود بوده و درصدد اصلاح و تعدیل آن در جهت نیل به نظم مطلوب برای تأمین منافع کشورهای جهان سوم و در حال توسعه جنوب است. این گفتمان اصول، قواعد، هنجارها و نهادهای بنیادین نظم بین‌المللی موجود نظیر دولت سرزمینی، حاکمیت ملی و عدم مداخله در امور داخلی کشورها را می‌پذیرد، ولی معتقد است نظم موجود بین‌المللی، به ویژه نظم اقتصادی باید به نفع کشورهای جهان سوم تغییر و تحول یابد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۸۰).

گفتمان مذکور از بسترهای مطلوبی برای گسترش در ایران برخوردار است. نخست، ایران از کشورهای جهان سوم و در حال توسعه جنوب است که به مانند دیگر کشورهای جهان سوم در حاشیه نظام اقتصادی بین‌الملل قرار دارد. دوم، گرچه ایران هیچ‌گاه رسماً مستعمره نبوده، ولی

۱. امام کاظم (ع) در روایتی می‌فرماید: «مردی از قم، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کند. افرادی گرد او جمع می‌شوند که قلب‌هایشان همچون پاره‌های آهن سستبر است. تندبادهای حوادث، آنان را نمی‌لغزاند، از جنگ خسته نشده و نمی‌ترسند. اعتماد آنان بر خداست و سرانجام کار، از آن پرهیزکاران است.» (مجلسی، بحارالانوار، ج ۶۰، ۲۱۶). حضرت رسول اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «مردی از شرق قیام می‌کند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی فراهم می‌سازند» (صافی گلپایگانی، ۱۳۸۰: ۳۰۴).

شدیداً تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ نظیر روسیه تزاری، انگلیس و ایالات متحده قرار داشته است که با تجربیات استعماری کشورهای جهان سوم تجانس فراوان دارد. سوم، صرف نظر از دوران انقلاب اسلامی، تجدید نظرطلبی در مناسبات جهانی همواره مد نظر ایرانیان بوده است. یادآوری جلوه‌های سیاسی و فرهنگی ایران باستان و همچنین بسیاری از آموزه‌های دین اسلام، همواره سبب عدم رضایت ایرانیان از جایگاه خود در نظام بین‌الملل بوده است. چهارم، عدالت‌طلبی در طول تاریخ همواره یکی از مؤلفه‌های هویتی ایرانیان بوده است که تجلی آن در سیاست خارجی با بسیاری از اصول و اهداف کشورهای جهان سوم در خصوص مناسبات بین‌المللی هم‌راستا می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۷۰-۶۹).

۴. گفتمان انقلاب اسلامی

گفتمان انقلاب اسلامی و فضای متنی حاصل از آن، چهارمین منبع هویت‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. اصولاً خصلت فضای انقلابی «بازتاب‌دار» بودن آن توسط سوژه‌های انقلابی در جهان بیرونی است و همین بازتاب انقلاب است که گفتمان سیاست داخلی انقلاب را به گفتمان سیاست خارجی آن پیوند می‌زند و دومی را متأثر از اولی می‌گرداند (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۴۵). این فضای گفتمانی تا حدود زیادی متأثر از جایگاه، زبان و نظم گفتاری رهبران انقلاب، خصوصاً امام خمینی (ره) بوده و هست. در این میان، حوادث پس از انقلاب و واکنش‌های بیرونی به انقلاب نیز در نقش یک سری عوامل شتاب‌دهنده و تثبیت‌کننده، مزید بر علت شد تا گفتمان انقلابی به منبع هویت‌ساز در سیاست خارجی ایرانیان بدل شود. ناامنی‌ها و درگیری‌های داخلی، جنگ ایران و عراق، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی، حمایت‌های خارجی از گروه‌های لیبرال، حمله طبس، کودتای نوژه و غیره، همه و همه مقوم تصاویر انقلابی ساخته‌شده از جهان خارجی، خصوصاً ایالات متحده و غرب بود. صدور انقلاب، استقلال‌طلبی از قدرت‌های بزرگ، دگرگونی در نظم بین‌المللی مستقر^(۱) و حمایت از مستضعفین در مقابل مستکبرین، مهمترین مظاهر تجلی گفتمان

۱. برای مطالعه در این خصوص بنگرید به دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۷). «جمهوری اسلامی ایران و نظام بین‌الملل مطلوب»، *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، شماره ۱۶، ۳۶-۱۱.

انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. این مؤلفه‌ها از جنس هنجارهای رفتاری به شمار می‌روند و ریشه در دیگر منابع هویت‌ساز نظیر اسلام و مذهب تشیع، جهان سوم‌گرایی و منابع ملی-تاریخی دارند که در مفصل‌بندی گفتمان انقلاب، جایگاه رفیع‌تری یافته‌اند. در نتیجه، مبادرت به انجام آنها نه تنها به بازتولید منابع مذکور می‌انجامد، بلکه از سوی دیگر، تکرار این کنش‌ها در طول زمان، نفس این کنش‌ها را به جزئی از هویت سیاست خارجی جمهوری اسلامی بدل می‌سازد (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۳۵).

۵. ژئوپلیتیک ایران

بی‌تردید، هویت هر ملت و چگونگی پیدایش و بقای آن، موضوعی در قلمرو ژئوپلیتیک است که به اعتقاد مکیندر و هاشوفر، تمام سیاست خارجی کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد (جعفری ولدانی، ۱۳۸۹: ۴۹). احساس تعلق ایرانیان به محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته‌شدن با ویژگی‌ها و ارکان آن محیط جغرافیایی خاص نیز در زمره مسائل هویت ملی و در نتیجه، سیاست خارجی آنان می‌باشد (مجتهدزاده، ۱۳۷۷: ۱۲۵).

ایران به لحاظ موقعیت جغرافیایی دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است؛ نخست، این کشور در محلی واقع شده که ۳ قاره آسیا، اروپا و آفریقا را به هم وصل می‌کند و از دیر باز محل ارتباط شرق و غرب بوده است. دوم، ایران در محل تلاقی محور عمودی شمال-جنوب منابع انرژی و محور افقی شرق-غرب مصرف انرژی است. سوم، ایران مانند پلی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز را که محصور در خشکی^۱ هستند به خلیج فارس مرتبط می‌سازد. چهارم، موقعیت بحری ایران در دسترسی به خلیج فارس، دریای عمان و دریای خزر نیز بسیار حائز اهمیت است. ایران تنگه هرمز را در کنترل خود دارد که هنوز بیش از ۶۰ درصد نفت منطقه خلیج فارس از آن عبور می‌کند.

۶. رویه‌های روالمند در سیاست خارجی ایران

بر اساس نظریه امنیت هستی‌شناختی، دولت‌ها برای فائق‌آمدن بر ناامنی هویتی خود به عادات و رویه‌های رفتاری روالمند روی می‌آورند. جمهوری اسلامی ایران نیز انواعی از رفتارها را به رویه‌های عادی خود در سیاست خارجی بدل نموده است. به لحاظ زمانی، رویه‌های مذکور در دهه نخست انقلاب اسلامی و متأثر از تفوق گفتمان انقلاب در هویت‌سازی سیاست خارجی ایران پدید آمده‌اند. مهم‌ترین مظاهر این عادات و رویه‌های رفتاری که موجب تخفیف ناامنی هستی‌شناختی و تقویت جایگاه اسلام می‌شود، عبارتند از:

الف) حمایت از مستضعفان در برابر مستکبران.

ب) تأکید بر استقلال از قدرت‌های بزرگ.

ج) استکبارستیزی از طریق مقابله با غرب و در رأس آنها ایالات متحده.

د) مبارزه با صهیونیسم و حمایت از نیروهای مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین.

ه) تجدید نظرطلبی در نظم بین‌المللی مستقر.

د. ناامنی هستی‌شناختی در سیاست خارجی دوران اصول‌گرایی

در این بخش ابتدا به رصد ناامنی هستی‌شناختی در اظهارات سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی خواهیم پرداخت. پس از این مرحله به بررسی واکنش دولتمردان این دوره در قالب صورت‌بندی مجدد منابع هویت‌ساز و تغییر رویکرد سیاست خارجی می‌پردازیم. در گام بعد، اظهارات رئیس‌جمهور در نشست‌های سالانه مجمع عمومی سازمان ملل تحلیل محتوای کمی خواهد شد. در نهایت، با تأیید فرضیه نخست، دیپلماسی هسته‌ای به عنوان تجلی رفتاری ناامنی مزبور تبیین خواهد شد.

۱. احساس ناامنی هستی‌شناختی

ناامنی هستی‌شناختی، نقطه عزیمت ساخت و تکوین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی است. انتخاب عنوان «اصول‌گرایی» برای این جریان سیاسی که مهمترین رسالت خود را بازگشت به اصول و مبانی انقلاب اسلامی می‌داند، خود بازتاب‌دهنده

این دغدغه‌های هویتی است؛ همان‌گونه که در چارچوب نظری بحث شد، دولت‌ها نیز به عنوان موجودیت‌های اجتماعی در پی احساس امنیت از تداوم هویت خود می‌باشند. هنگامی این نیاز در دولت‌ها تأمین می‌شود که احساس کنند به رغم دگرگونی‌های محیطی و گذشت زمان، هویت آنها ثابت مانده و همانی هستند که بوده‌اند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست و همواره در پی حفظ و تداوم هویت خود بوده است. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرمایند:

«آنچه مهم است این است که نظام جمهوری اسلامی یک ساخت حقوقی و رسمی دارد که آن قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی، دولت اسلامی، انتخابات - همین چیزهایی که مشاهده می‌کنید - است، که البته حفظ اینها لازم و واجب است؛ اما کافی نیست. همیشه در دل ساخت حقوقی، یک ساخت حقیقی، یک هویت حقیقی و واقعی وجود دارد؛ او را باید حفظ کرد... اگر آن معنا و مضمون تغییر پیدا کند، ولو این ساخت ظاهری و حقوقی هم باقی بماند، نه فایده‌ای خواهد داشت، نه دوامی... آن ساخت درونی چیست؟ همان آرمان‌های جمهوری اسلامی است: عدالت، کرامت انسان، حفظ ارزشها، سعی برای ایجاد برادری و برابری، اخلاق، ایستادگی در مقابل نفوذ دشمن؛ اینها آن اجزاء ساخت حقیقی و باطنی و درونی نظام جمهوری اسلامی است. ... اگر این مغزهای حقیقی و این بخش‌های اصلی هویت واقعی جمهوری اسلامی از دست برود و ضعیف شود، ساخت ظاهری جمهوری اسلامی خیلی کمکی نمی‌کند؛ ... این، اساس قضیه است» (۱۳۸۷/۹/۲۴).^(۱)

بر این اساس، ایشان هویت جمهوری اسلامی را دارای مؤلفه‌های سلبی و ایجابی می‌دانند که با تضعیف یا تغییر آنها هویت نظام مخدوش می‌شود. از منظر مقام معظم رهبری، تغییر در رفتارهای مبتنی بر این هویت نیز به معنای دوری از هویت واقعی جمهوری اسلامی است. ایشان تصریح می‌کنند:

«جمهوری اسلامی یک «نفی» با خود دارد، یک «اثبات». نفی استعمار، نفی سلطه‌پذیری، نفی تحقیر ملت ... یک چیزهایی را هم اثبات می‌کند: اثبات هویت ملی،

۱. در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت

هویت ایرانی، اثبات ارزش‌های اسلامی، دفاع از مظلومان جهان، ... گاهی مسئولین سیاسی کشورهای مستکبر از قبیل آمریکا، درباره‌ی ایران که صحبت می‌کنند، می‌گویند: ما نمی‌گوییم جمهوری اسلامی از بین برود، می‌گوئیم جمهوری اسلامی رفتارش را عوض کند. رفتارش را عوض کند، یعنی این؛ یعنی از این نفی و از این اثبات دست بردارد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۷/۹/۲۴).^(۱)

با آغاز دوران اصول‌گرایی، احساس شدید ناامنی هستی‌شناختی در میان سیاست‌گذاران مشهود بود. مصادیق این احساس ناامنی را می‌توان در دو حوزه رصد نمود: نخست، انتقادات از کلیت گفتمان سازندگی و اصلاحات؛ آقای هاشمی رفسنجانی در شرایطی سکان هدایت دستگاه اجرایی کشور را در دست گرفت که جنگ تحمیلی پایان یافته بود و بازسازی خرابی‌های ناشی از آن و بهبود وضعیت اقتصادی کشور، چالش‌های بزرگ جمهوری اسلامی ایران بودند. بنابراین، در این دوره توسعه اقتصادی به اولویت نخست دولت بدل شد که الزامات خاص خود را در سیاست خارجی می‌طلبد. در نتیجه، دولتمردان تکنوکرات جایگزین دولتمردان ایدئولوژیک شدند و مفاهیم جدیدی را وارد فضای سیاسی و اجتماعی ایران نمودند (احتشامی، ۱۳۷۸: ۹). در آستانه دوران اصلاحات جمهوری اسلامی با چالش‌های مهمی در محیط پیرامونی خود مواجه بود؛ تبلیغات رسانه‌ای دولت‌های غربی ایران را به تروریسم، حمایت از خشونت و دخالت در امور داخلی دیگر کشورها متهم می‌کردند. در نتیجه این فضای مسموم، رابطه ایران با بسیاری از دولت‌ها حتی در آفریقا، شرق آسیا و آمریکای جنوبی به سردی گراییده بود. از سوی دیگر، در پی اعلام حکم دادگاه میکونوس بسیاری از دولت‌های اروپایی روابط سیاسی خود را با ایران قطع کرده بودند. آمریکا و اسرائیل نیز با اعمال تحریم‌ها و تلاش‌های گسترده دیپلماتیک، موانع زیادی را به منظور جلوگیری از هر نوع همکاری اقتصادی با ایران ایجاد کرده بودند. در چنین شرایطی، دولت اصلاحات «توسعه سیاسی» در داخل و تنش‌زدایی در سیاست خارجی را سرلوحه کار خود قرار داد. بدین ترتیب روند جایگزینی دولتمردان تکنوکرات به جای نیروهای آرمان‌گرای مکتبی در این دولت نیز تداوم یافت (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۲).

به باور اصول‌گرایان، گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های سازندگی و اصلاحات از آرمان‌های اولیه انقلاب و ارزش‌های اسلامی فاصله داشت. به تعبیر دیگر، تداوم هویت اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی در دوران شانزده‌ساله مذکور با توقف روبه‌رو شده بود. بنابراین اصول‌گرایان در گام نخست، نقطه عزیمت دولت خود را باز تأکید و باز تکرار آرمان‌های انقلاب اسلامی قرار دادند. احمدی‌نژاد در این خصوص معتقد است:

«کم‌رنگ شدن طرح شعارهای اصیل و بنیادین اعتقادی انقلاب در بیان و عمل مقامات اجرایی کشور در سال‌های گذشته، موجب شده بود محوریت جمهوری اسلامی ایران در جهان اسلام با چالش‌ها و سرخورده‌گی‌هایی رو به رو شده و یأس و نومیدی ناشی از این وضعیت، تأثیرات خود را در توده‌های مسلمان و دیگر ملل محروم جهان بر جای بگذارد.»^(۱)

دوم، انتقاد از رویکرد سیاست خارجی دولت‌های سازندگی و اصلاحات؛ دولت سازندگی در تلاش بود با «تنش‌زدایی»^۲ در سیاست خارجی، زمینه را برای عادی‌سازی روابط با کشورهای منطقه، اروپا و ایالات متحده فراهم سازد. در این راستا، دو دور گفتگوهای «انتقادی» و «سازنده» با اروپا در دولت‌های مذکور دنبال شد. علاوه بر این، تلاش‌هایی برای مذاکره مستقیم با آمریکا صورت گرفت که با مخالفت رهبر انقلاب مواجه شد. این روند در دولت اصلاحات با شدت بیشتری پیگیری شد، به گونه‌ای که علاوه بر تنش‌زدایی، تلاش‌های فراوانی برای «اعتمادسازی»^۳ صورت گرفت. از منظر اصول‌گرایان رویکردهای مزبور موجب انفعال در سیاست خارجی ایران شده بود، به گونه‌ای که «آنها دائماً یک قدم برای تحمیل به ملت ایران جلو می‌گذارند و ملت ایران مرتب باید یک قدم به عقب برود» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۶/۲۵).^(۴) فراتر از این، رئیس دولت اصول‌گرا اساساً رویکرد دولت‌های سازندگی و اصلاحات در سیاست خارجی را برخلاف ماهیت انقلاب اسلامی می‌داند:

۱. گزارش عملکرد یکساله دولت نهم: <http://www.SPK-gov.ir/Repnts.asp?Itemid=22564.p.3>

2. Detent

3. Confidence-Building

۴. در مصاحبه با شبکه ماهواره‌ای جام جم.

«شما دیدید یک دوره طولانی پانزده شانزده ساله شعار این بود که ما می‌خواهیم با دنیا تنش‌زدایی کنیم. بنده از همان اول معترض بودم. مقالاتی هم نوشتم، حرف‌هایی زدم. حرفم این بود که آقا مگر ما در دنیا تنش درست کرده‌ایم که تنش‌زدایی کنیم. انقلاب اسلامی که برای همه رحمت است» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۱۱/۳).^(۱)

۲. صورت‌بندی جدید منابع هویت‌ساز و تغییر در رویکرد سیاست خارجی

در نتیجه احساس عمیق ناامنی هستی‌شناختی، اصول‌گرایان رجعت به منابع هویت‌ساز و بازتعریف آنها را در دستور کار خود قرار دادند. سیاستگذاران این دوره تلاش نمودند با رجوع دوباره به منابع هویت‌ساز، هویت سیاست خارجی خود را نه تنها برای جمهوری اسلامی، بلکه بر مبنای آنچه مقتضای جهان امروز تصور می‌کردند، بنا سازند:

«بشریت امروز در یک نقطه عطف و در مرحله یک انتخاب بزرگ تاریخی و سرنوشت‌ساز قرار گرفته است. شکست مکاتب مادی الحادی و لیبرالی، گسترش ظلم، بی‌عدالتی و فقر، تنش در روابط منطقه‌ای و بین‌المللی، مسابقه بی‌پایان تسلیحاتی، انزوای بی‌سابقه اخلاق از مناسبات سیاسی... جهان امروز را منتظر و تشنه دریافت یک الگوی کامل برای برپایی دنیایی سعادت‌مند کرده... خوشبختانه، مکتب رهایی‌بخش اسلام از ظرفیت‌ها و توانمندی‌های لازم برای ارائه پاسخ مناسب و کامل به این نیاز فوری برخوردار است» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴/۹/۱۶).^(۲)

بنابراین، نگاه اصول‌گرایان به دین اسلام، نگاهی حداکثری است که نه تنها در هویت‌سازی سیاست خارجی جمهوری اسلامی جایگاه رفیع‌تری نسبت به دولت‌های گذشته یافته، بلکه بعد جهان‌شمولی آن نیز بسیار برجسته شده است.

پس از اسلام، گفتمان انقلاب اسلامی دیگر منبع هویت‌ساز در سیاست خارجی اصول‌گرایان است. از منظر سیاست‌گذاران این دوره، انقلاب اسلامی «با روی کار آمدن دولت نهم در سال ۱۳۸۴، مجدداً رخ داده است» (احمدی‌نژاد: ۱۳۸۴/۴/۴). نگاه اصول‌گرایان به

۱. در نهمین همایش سراسری مسئولین و هادیان سیاسی سپاه پاسداران.

۲. در اجلاس سران کشورهای اسلامی در عربستان.

«انقلاب اسلامی» متفاوت از دولت‌های گذشته است. این نگاه متفاوت به دلیل همان برداشت از نیازهای امروزی بشر و ظرفیت انقلاب اسلامی برای پاسخ‌گویی به آنهاست:

«همه جا از انقلاب اسلامی مطالبه دارند. از جنوبی‌ترین نقطه آمریکای جنوبی تا شرق دور از ما می‌خواهند و باید پاسخ اینها را آماده کنیم... هر جای دنیا که می‌رویم یک تغییر جدی و اساسی را در روحیات و مطالبات مردم می‌بینیم... بعضی‌ها فکر می‌کنند که فقط در دنیای اسلام گرایش به دفاع از حزب‌الله، انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب وجود دارد. این تصور، تصور ناقصی است.» (احمدی‌نژاد: ۱۳۸۵/۹/۱۴)

بنابراین، از یک سو بر بعد ملی انقلاب اسلامی تأکید می‌شود که «احیاکننده ملت ایران»^(۱) و «آغازی دوباره برای تمدن ایرانی-اسلامی است»^(۲) و از سوی دیگر، به دلیل پیام و رسالت ویژه آن، بر بعد «فراملی»^(۳) و «جهانی‌بودن»^(۴) انقلاب اسلامی تأکید می‌گردد که به عنوان «سرآغاز دورانی جدید در تاریخ بشریت»^(۵)، «متعلق به همه بشر است»^(۶).

دیگر منبع مهم در هویت‌یابی سیاست خارجی اصول‌گرایان، عنصر «ایرانیت» و جلوه‌های تاریخ ایرانی است. دولتمردان این دوره با اعتماد به نفس از ایرانی بزرگ سخن می‌گویند که توانایی تبدیل شدن به قدرت جهانی را داراست. احمدی‌نژاد به دفعات از جایگاه فرهنگی و تمدن‌ساز ایران باستان یاد کرده است. وی در دیدار با ایرانیان مقیم آمریکا چنین می‌گوید:

«به تاریخ نگاه کنید. هر ملتی و هر کشوری با یک ویژگی شناخته می‌شود. وقتی به ملت ایران می‌رسیم، ویژگی ممتاز و برجسته ملت ایران، فرهنگی بودن، انسان‌دوست بودن، عاقل و با تدبیر بودن است... ملت ایران قریب هفت هزار سال سابقه تمدنی دارد. ۴۲ ملیت از ملت ایران تبعیت می‌کردند... البته این نبوده که ایران با زور بمب اتم

۱. احمدی‌نژاد: ۱۳۸۵/۱۱/۲۲.

۲. برنامه دولت نهم، (۱۳۸۴: ۸).

۳. احمدی‌نژاد، در دیدار با طلاب و روحانیون مازندران، ۱۳۸۵/۹/۱۴.

۴. احمدی‌نژاد، در دیدار با طلاب و روحانیون مازندران، ۱۳۸۵/۹/۱۴.

۵. احمدی‌نژاد، در دیدار با طلاب و روحانیون مازندران، ۱۳۸۵/۹/۱۴.

۶. گزارش جمهور، شماره ۱۴، بهمن ۱۳۸۶: ۳.

و موشک، تهدید و... این به خاطر فرهنگ غنی و متعالی ایران بوده» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۵).

بنابراین، «ایرانیت» در دولت نهم، به عنوان منبعی هویت‌ساز برجسته می‌شود، به طوری که «ایران» به عنوان پایگاه تجلی انقلاب و اسلام، «رسالتی ویژه و نقشی منحصر به فرد» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۸/۲۹)^(۱) می‌یابد که باید به مطالبات جهانی ارزش‌های انقلاب و آموزه‌های اسلامی پاسخ دهد (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۸/۲۹).^(۲)

در نتیجه، شاهدیم که حاملان گفتمان اصول‌گرایی، در این دوره نه تنها قائل به تعارض ذاتی میان ایرانیت و اسلامیت نیستند، بلکه به دنبال ایجاد پیوند و مصالحه میان آنها می‌باشند. دیگر منبع مهم در هویت‌یابی سیاست خارجی اصول‌گرایان، گفتمان جهان‌سوم‌گرایی و غیرمتعهد است که ماهیتی ضد استعماری و ضد هژمونیک دارد. همان‌گونه که بیان شد این ساختار انگاره‌ای مخالف وضع و نظم سیاسی-اقتصادی بین‌المللی موجود بوده و درصدد اصلاح آن در جهت نیل به وضعیت مطلوب برای تأمین منافع کشورهای جهان سوم است. البته، گرایش به جهان سوم همواره یکی از ویژگی‌های سیاست خارجی دولت‌های پس از انقلاب بوده است، اما بهره‌گیری از اصول این گفتمان و تلاش در جهت بسط آرمان‌های آن در دوران اصول‌گرایی بسیار برجسته‌تر است. علت این امر نیز به نوع نگاه سیاستگذاران این دوره از اوضاع جهانی باز می‌گردد:

«به گوشه و کنار دنیا و هر جا نگاه کنیم، حجم وسیعی از نابسامانی‌ها و گرفتاری‌ها را می‌بینیم... که خود دلیلی بر لزوم تداوم و تقویت جنبش غیر متعهدها است. این جنبش باید نقش واقعی خود را بیش از پیش باز یابد. جنبش غیر متعهدها می‌تواند با برخورداری از اکثریت اعضای جامعه جهانی نسبت به تصحیح روندهای یک‌جانبه‌گرایانه و تبعیض‌آلود موجود نقشی اساسی ایفا نماید» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۶/۲۴).^(۳)

۱. در بازدید از صداوسیما.

۲. در بازدید از صداوسیما.

۳. سخنرانی در اجلاس غیرمتعهدها (کوبا).

همان‌گونه که دیده می‌شود در فرایند هویت‌یابی سیاست خارجی اصول‌گرایان، با صورت‌بندی و قرائت‌های جدیدی از منابع هویت‌ساز مواجه هستیم. مکتب اسلام، گفتمان انقلاب اسلامی، ایرانیت و جلوه‌های شکوه تاریخ ایران و حتی جهان سوم‌گرایی مورد بازتعریف قرار گرفته و تلاش شده است با قرائت حداکثری و فراملی، نهایت بهره‌گیری از ظرفیت‌های آنها به عمل آید.

نتیجه طبیعی چیدمان جدید، تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان به سوی رویکردی است که مولد رفتارهای روالمند سابق باشد. رئیس دولت اصول‌گرا اصلاح سیاست خارجی را از اولویت‌های مهم دولت خود عنوان نموده است (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۶/۲۰).^(۱) این اصلاح از آنچه او رویکرد «انفعالی و به دور از ذات انقلاب و نظام اسلامی»^(۲) می‌نامید، به رویکردی «فعال و تأثیرگذار»^(۳) است که می‌بایست «مبتنی بر عزت، حکمت و مصلحت»^(۴) باشد. وی رویکرد فعالانه در سیاست خارجی را چنین تعریف می‌کند:

«سیاست فعال یعنی در درجه اول، دفاع همه‌جانبه با اتکالی به اقتدار ملی از همه منافع ملت ایران؛ دوم، تأثیرگذاری مثبت در معادلات سیاسی و اقتصادی جهان و سه، پیشبرد آرمان‌های ملت ایران در عرصه‌های بین‌المللی؛ یعنی به جای اینکه دیگران برای ما تصمیم بگیرند و دیکته کنند، ما باید وارد بشویم و تصمیمات درست خودمان را در جریان مسائل جهانی وارد کنیم» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۶/۲۵).^(۵)

از منظر دولتمردان جدید در چارچوب اتخاذ رویکرد فعالانه، سیاست خارجی باید شیوه برخورد و بازخواست قدرت‌های بزرگ با ایران را تغییر داده و رفتارها و سیاست‌های دوگانه و متناقض آنها را عیان سازد. حمید مولانا و منوچهر محمدی بر این رویکرد عنوان «تغییر وضعیت متهم به مدعی» نهاده‌اند (مولانا و محمدی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). به باور اصول‌گرایان،

۱. در گردهمایی فرماندهان سپاه پاسداران.

۲. احمدی‌نژاد، نهمین همایش سراسری مسئولین و هادیان سیاسی سپاه پاسداران، ۱۳۸۶/۱۱/۳.

۳. احمدی‌نژاد، در نشست رؤسای سه قوه، هیئت دولت و نمایندگان مجلس، ۱۳۸۵/۶/۷.

۴. احمدی‌نژاد، نهمین همایش سراسری مسئولین و هادیان سیاسی سپاه پاسداران، ۱۳۸۶/۱۱/۳.

۵. در مصاحبه با شبکه ماهواره‌ای جام جم.

رویکرد دولت‌های سازندگی و اصلاحات در گفتگوها با اتحادیه اروپا در این مسیر نبوده است. احمدی‌نژاد در این خصوص معتقد است:

«سیاست خارجی فعال این نیست... که ناقضان اصلی حقوق بشر عالم جنایت کنند بعد بیایند ملت مظلوم و زخم‌خورده از جنایت تروریست‌ها را متهم کنند، بعد ما برویم آنجا دفاع کنیم و دلیل بیاوریم؟!.... برای ما در دنیا نقش تعیین کنند و ما برویم نقشی را که نظام سلطه برای کشورهای تحت سلطه تعیین می‌کند بپذیریم؟! هیئات، هیئات من‌الذله. هیچگاه ملت ایران چنین ذلتی را نمی‌پذیرد و نپذیرفته است.» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۶/۲۰)^(۱)

مقام معظم رهبری نیز در این خصوص بیان می‌دارند:

«ما طلبکاریم. من بارها گفته‌ام، در قضیه «زن» ما پاسخگوی غرب نیستیم؛ غرب باید پاسخگوی ما باشد... در زمینه حقوق بشر، ماییم که طلبکار مدعیان منافق و دوروی حقوق بشر هستیم.»^(۲)

احمدی‌نژاد یکی از الزامات دیپلماسی فعالانه را اتخاذ رویکرد تهاجمی در مقابل قدرت‌های بزرگ می‌داند که به باور وی برخاسته از فرهنگ شیعی است:

«ما باید روحیه هجومی داشته باشیم، نه هجوم نظامی... هجوم یعنی تبلیغ و معرفی... در فرهنگ هم باید هجوم کنیم، در اقتصاد هم باید هجوم کنیم، در سیاست هم باید هجوم کنیم. اصلاً عزیزان من، فرهنگ شیعی یعنی هجوم به کانون‌های اصلی فساد.» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۷/۶/۷)^(۳)

۳. تحلیل محتوای سخنرانی‌های رئیس‌جمهور در سازمان ملل

سخنرانی‌های سالانه رئیس‌جمهور در سازمان ملل، تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان را نشان می‌دهد. بدین منظور هویت اسلامی، انقلابی و جهان‌سومی سیاست خارجی آنان در سیزده شاخص عملیاتی شده و با سیزده شاخص برخاسته از هنجارهای لیبرال

۱. در گردهمایی فرماندهان سپاه، ۱۳۸۶/۶/۲۰.

۲. برای مطالعه متن کامل این سخنرانی مراجعه کنید به:

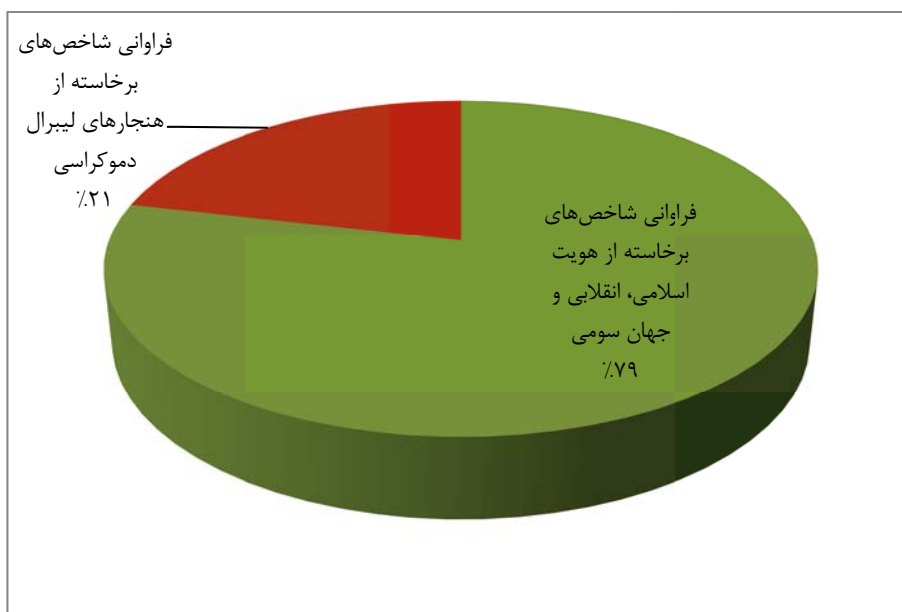
<http://www.Leader.ir/Langs/FA/index.php?p=bayan&id=3235>.

۳. در جلسه شورای عالی مدیران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

دموکراسی مقایسه شده است. جدول و نمودار ذیل که از تحلیل محتوای سخنرانی‌ها در هفت سال گذشته حاصل آمده، رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی اصول‌گرایان را نشان می‌دهد:

جمع	شاخص‌های برخاسته از هنجارهای لیبرال‌دموکراسی	جمع	شاخص‌های برخاسته از هویت اسلامی، انقلابی و جهان‌سوم‌گرایی	
۴۳	آزادی	۱۶۳	عدالت، عدل، عادلانه	۱
۲۰	احترام به حقوق	۶۲	انتقاد از شورای امنیت و ضرورت اصلاح آن	۲
۱۳	تعامل	۴۷	انتقاد از سازمان ملل و ضرورت اصلاح آن	۳
۱۲	همکاری	۴۳	حمایت از فلسطین	۴
۶	مذاکره، مذاکرات	۳۸	انتقاد از رژیم صهیونیستی	۵
۶	گفتگو	۳۰	انتقاد از اشغال عراق	۶
۷	دموکراسی	۳۰	سلطه	۷
۶	انتخابات	۲۴	انتقاد از مدیریت جهانی و ضرورت اصلاح آن	۸
۶	رأی‌گیری	۱۸	ظلم و ستم	۹
۶	اعتمادسازی	۱۱	لزوم خلع سلاح قدرت‌های بزرگ	۱۰
۵	شفاف‌سازی	۱۰	ضرورت حفظ چرخه سوخت هسته‌ای	۱۱
۱	حسن نیت	۶	انتقاد از حق وتوی قدرت‌های بزرگ	۱۲
۱	روشنگری	۴	رفتار دوگانه	۱۳
	۱۳۲		۴۸۶	جمع
		۶۱۸		کل
	%۲۱		%۷۹	درصد

نمودار: بیشترین مضامین گفتاری رئیس‌جمهور در سخنرانی‌های سازمان ملل (به درصد)



۴. دیپلماسی هسته‌ای اصول‌گرایان

توان‌مندی هسته‌ای مهمترین چالش جمهوری اسلامی ایران و غرب در قریب به یک دهه گذشته به شمار می‌رود. چالشی که با ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل و صدور شش قطعنامه^(۱) توسط این نهاد، امنیتی شده است. سؤالی که در این میان مطرح می‌شود آن است که به واقع، انگیزه رفتاری جمهوری اسلامی ایران در اصرار بر حفظ چرخه کامل سوخت هسته‌ای چیست؟

۱. قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹.

واقع‌گرایی تدافعی، ضمن مفروض‌پنداشتن مقاصد نظامی در برنامه هسته‌ای ایران، از منظر امنیت‌جویی^۱ به این سؤال پاسخ می‌دهد. بر این مبنا، جمهوری اسلامی در منطقه‌ای قرار دارد که به لحاظ امنیتی بی‌ثبات است و همسایگانی مسلح به سلاح‌های هسته‌ای نظیر پاکستان، هند و رژیم صهیونیستی در هم‌جواری آن قرار دارند. از سوی دیگر، ایالات متحده نیز از بدو انقلاب به تهدیدات وجودی علیه ایران می‌پردازد و صراحتاً از براندازی نظام حاکم بر آن سخن می‌گوید. بنابراین، تلاش برای کسب توان‌مندی هسته‌ای بر مبنای منطق بازدارندگی گزینه‌ای معقول به نظر می‌رسد (Bowen & Kidd, 2004; Kemp, 2003). واقع‌گرایی ته‌اجمی نیز مسئله هسته‌ای ایران را از منظر قدرت‌طلبی^۲ می‌نگرد. بر این مبنا، جمهوری اسلامی از بدو انقلاب به دنبال بسط قدرت منطقه‌ای و آرمان‌های ایدئولوژیک خود بوده است که دستیابی به توان‌مندی هسته‌ای نیز در این راستا معنا می‌یابد (Chubin & Litwak, 2003; Jain, 2011).

رویکرد لیبرال نیز بر ضرورت‌های اقتصادی جامعه ایران برای نیل به قابلیت هسته‌ای تأکید دارد. از این منظر، جمعیت و نیاز جمهوری اسلامی ایران به انرژی در حال رشد است که توجه به منابع جدید انرژی نظیر انرژی هسته‌ای را توجیه‌پذیر می‌کند. علاوه بر این، جمهوری اسلامی می‌تواند با دستیابی به دانش هسته‌ای، ضمن حل برخی مشکلات زیست‌محیطی خود، از تولیدات هسته‌ای در حوزه‌های پزشکی، کشاورزی و مانند آنها نیز استفاده کند (Sahimi, Mojtahedzadeh & Afrasiabi, 2003).

نگاهی دقیق به واکنش‌های غرب در برابر سیاست هسته‌ای جمهوری اسلامی، بیانگر آن است که تحلیل‌های خردگرایانه فوق در تبیین برنامه هسته‌ای و دیپلماسی منحصربه‌فرد ایران برای آنها قانع‌کننده به نظر نمی‌رسد (Moshirzadeh, 2007)، زیرا مسئله هسته‌ای احتمال حملات نظامی از سوی ایالات متحده^(۳) و اسرائیل^(۴) علیه جمهوری اسلامی را تقویت نموده است. مقامات دولت‌های مذکور صراحتاً و به کرات از حمله نظامی علیه ایران سخن می‌گویند.

1. Security-Seeking

2. Power-Seeking

3. www.presstv.ir: Obama threatens Iran with military attack over N-energy case: <http://www.presstv.ir/detail/229704.html>

4. for example see: www.rt.ir: Netanyahu threatens unilateral strike against Iran 'in months': <http://www.rt.com/news/netanyahu-threat-iran-strike-231/>

از سوی دیگر، تحریم‌های بین‌المللی نیز منافع اقتصادی متصور از فناوری هسته‌ای را با چالش مواجه ساخته است. هدف دولت‌های غربی از وضع تحریم‌ها آن است که سیاست‌گذاران ایرانی را به این جمع‌بندی برساند که تعقیب برنامه هسته‌ای بسیار پرهزینه‌تر از منافع آن است (Clawson, 2010: 8). از این رو، تبیین مناسب در خصوص برنامه هسته‌ای ایران را باید در رهیافت‌های معناگرا و سازه‌انگاری دنبال نمود که بر اساس آنها دیپلماسی هسته‌ای ایران در چارچوب هویت اسلامی - انقلابی آن معنا می‌یابد. نظریه امنیت هستی‌شناختی به عنوان نظریه‌ای معناگرا از ظرفیت تبیینی لازم در این خصوص برخوردار می‌باشد.

در تبیین دیپلماسی هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران از منظر امنیت هستی‌شناختی، ابتدا باید نظام اعتمادپایه جمهوری اسلامی در قبال طرف‌های غربی را بررسی نمود. تحلیل محتوای اظهارات تصمیم‌سازان عرصه دیپلماسی هسته‌ای حاکی از آن است که نظام اعتمادپایه جمهوری اسلامی در رابطه با مسئله هسته‌ای بر مؤلفه‌های ذیل استوار است:

۱-۴. غیر قابل اعتماد بودن

از منظر اصول‌گرایان تجربیات تاریخی جمهوری اسلامی در مسئله هسته‌ای نشان از غیرقابل اعتماد بودن طرف‌های غربی دارد. رئیس‌جمهور در این خصوص معتقد است:

«می‌دانید در فرایند انرژی هسته‌ای چرا به بیگانگان بی‌اعتمادی وجود دارد؟... ما تا امروز چند قرارداد تولید سوخت هسته‌ای با غربی‌ها داشتیم که همه بی‌نتیجه ماند و آنها تعهداتشان را نقض کردند... با آمریکا،... با آلمان،... با فرانسه... و همین‌طور با کانادا... پایین‌تر از انرژی هسته‌ای حتی به تعهداتشان در قراردادهای مربوط به خرید هلی‌کوپتر و قطعات هواپیماهای مسافربری عمل نکردند... برای تکمیل نیروگاه بوشهر قرارداد هست، اما چقدر طول کشیده است؟ سی سال، زیرا تابع تصمیمات سیاسی بوده است. ما نمی‌توانیم سرنوشت کشور را به تصمیمات سیاسی بسپاریم.» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۶/۲۹)^(۱)

۱. در جلسه پرسش و پاسخ با شورای روابط خارجی آمریکا.

۲-۴. جلوگیری از دستیابی ایران به دانش هسته‌ای

هدف واقعی غرب در پرونده هسته‌ای ممانعت از دستیابی ایران به دانش هسته‌ای است: «برخی قدرت‌های انحصارطلب با ایراد فشار سنگین سیاسی به آژانس، همه توان تبلیغاتی و دیپلماتیک خود را به کار گرفتند تا بر خلاف مواد روشن اساسنامه آژانس، ملت ایران را از حقوق مسلم خود محروم کنند و در این راه از تهدید سیاسی، تحریم اقتصادی و حتی تهدید نظامی هم فروگذار نکردند» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۶/۶/۱۲).^(۱)

۳-۴. مخالفت با هویت اسلامی-انقلابی

اسلام شیعی و گفتمان انقلاب مهمترین منابع هویت‌ساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. از منظر اصول‌گرایان علت اصلی مخالفت کشورهای غربی همین هویت است: «ما می‌دانیم که آنها با اصل ملت ما و اساس مکتب و پیشرفت ما مخالف‌اند. این سیاست مثل روز روشن است. حالا امروز انرژی هسته‌ای را بهانه کرده‌اند» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۷/۵/۲).^(۲)

۴-۴. تلاش برای نقض استقلال ملی

استقلال‌طلبی یکی از رفتارهای روالمند جمهوری اسلامی است که تجربیات تلخ تاریخ معاصر موجب تقویت جایگاه آن در سیاست خارجی ایران پس از انقلاب شده است. مقام معظم رهبری مسئله هسته‌ای را در پیوند با استقلال جمهوری اسلامی می‌دانند: «جمهوری اسلامی ایران، عقب‌نشینی از مسئله هسته‌ای را... به معنای شکستن استقلال کشور می‌داند که هزینه بسیار گزافی برای ملت ایران خواهد داشت... هرگونه عقب‌نشینی در مقطع کنونی، زنجیره‌ای تمام‌نشانی از فشارها و عقب‌نشینی‌های دیگر را در پی خواهد داشت» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۱۲/۲۳).^(۳)

۱. در مراسم افتتاحیه اجلاس وزرای خارجه جنبش عدم تعهد.

۲. در جمع مردم روستای کوشک استان کهگیلویه و بویر احمد، ۱۳۸۷/۵/۲.

۳. در دیدار با وزیر امور خارجه، معاونین، مشاورین و رؤسای نمایندگی‌های ایران.

۴-۵. جلوگیری از الگوشدن ایران برای دیگر ملت‌ها

یکی از اهداف کشورهای غربی در مواجهه با دیپلماسی هسته‌ای ایران بازداشتن دیگر کشورها از اتخاذ مسیر مشابه تهران است (Clawson, 2010: 9). اصول‌گرایان معتقدند: «آنها می‌دانند که اگر ملت ایران به فناوری ارزشمند غنی‌سازی اورانیوم دسترسی پیدا بکند... این ظرفیت را دارد که از یک سو، الگوی ملت‌های آزاده شود و از سوی دیگر نقطه اتکای ملت‌های آزاده جهان قرار بگیرد. به همین دلیل است که آنها با ما مخالفت می‌کنند» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۵/۱/۲۳).^(۱)

۴-۶. جلوگیری از تبدیل شدن ایران به قدرت جهانی

در دنیای مدرن و بر اساس دیدگاه «دانش به مثابه قدرت»^۲، درک از قدرت متحول شده و کسب دانش و فناوری‌های جدید به عنوان شاخص قدرت مطرح است (Paarlberg, 2004). اصول‌گرایان نیز دانش هسته‌ای را از این منظر ضروری می‌دانند: «اینها نمی‌خواهند جمهوری اسلامی در سطح ده کشور پیشرفته جهان قرار بگیرد... اگر ما این چرخه را راه بیندازیم، همه اوضاع و احوال جهانی برای ما متحول خواهد شد» (احمدی‌نژاد، ۱۳۸۴/۷/۳۰).^(۳)

۴-۷. ممانعت از اثبات کارآمدی نظام جمهوری اسلامی

ترویج لیبرال دموکراسی به عنوان تنها نظام سیاسی مشروع و کارآمد از یک سو و برجسته‌سازی نقاط ضعف و ناکارآمدی الگوهای جایگزین از محورهای سیاست خاورمیانه‌ای ایالات متحده است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۳). جمهوری اسلامی نیز در مقابل، از بدو انقلاب در تلاش برای ارائه الگویی کارآمد و سرمشق بوده است. از منظر اصول‌گرایان مخالفت غرب با ایران هسته‌ای از این منظر نیز قابل تحلیل است:

۱. در دیدار با دانشجویان استان خراسان رضوی.

2. Knowledge as Power

۳. در دیدار با دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی.

«نگرانی آنها این است که (اگر) بپذیرند ما انرژی هسته‌ای داریم، تمام تبلیغات ۲۶، ۲۷ ساله آنها علیه اسلام، توانمندی نظام اسلامی، قدرت انقلاب اسلامی، و توانمندی ملت ایران بر باد رفته است» (احمدی نژاد، ۱۳۸۴/۷/۳۰).^(۱)

همانگونه که دیده می‌شود، این هویت برساخته از غرب در تضاد با منافع هسته‌ای جمهوری اسلامی و همچنین هویت اسلامی - انقلابی آن قرار دارد. هویت مذکور که در گذر زمان با رفتارهای دولت‌های غربی تأیید و بازتولید شده است، به منبع مشروعیت‌بخش مهمی برای دیدگاه‌های اصول‌گرایان در عرصه دیپلماسی هسته‌ای بدل گردیده است. بنابراین، رویکرد اصول‌گرایان در دیپلماسی هسته‌ای با هدف حفظ هویت اسلامی - انقلابی دنبال می‌شود که امروزه در مسئله هسته‌ای تجلی یافته است. بنابراین، تا زمانی که این تصویر برساخته با رفتارهای غرب تأیید شود، بن‌بست فعلی در روند مذاکرات مرتفع نخواهد شد. در این راستا، رهبری معظم جمهوری اسلامی معتقدند هزینه‌های سیاسی، اقتصادی و حتی امنیتی موجود قابل تحمل‌تر از هزینه‌های هویتی است:

«ما را تهدید به شورای امنیت سازمان ملل کرده‌اند، انگار شورای امنیت آخر دنیاست. ما شورای امنیت را آزموده‌ایم... هرگاه (تصمیمات شورای امنیت) بر خلاف مصالح کشور باشد، قبول نمی‌کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۱/۱).^(۲)

نتیجه‌گیری

در این مقاله با بهره‌گیری از بصیرت‌های نظریه امنیت هستی‌شناختی به بررسی علل تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان و مهمترین جلوه رفتاری آنان یعنی دیپلماسی هسته‌ای پرداختیم. تحلیل محتوای اظهارات دولتمردان این دوره، به وضوح احساس ناامنی هویتی آنان را نشان می‌دهد. به باور اصول‌گرایان کلیت گفتمان دولت‌های سازندگی و اصلاحات و رویکرد سیاست خارجی آنان از آرمان‌های اولیه انقلاب و ارزش‌های اسلامی فاصله داشته است. ترجمان این گزاره در نظریه امنیت هستی‌شناختی آن است که تداوم هویت

۱. در دیدار با دانشجویان و تشکل‌های دانشجویی.

۲. در سخنرانی آغاز سال نو در صحن جامع رضوی.

اسلامی - انقلابی جمهوری اسلامی در دوران شانزده‌ساله مذکور متوقف شد و این امر موجبات ناامنی هویتی سیاست‌گذاران اصول‌گرا را فراهم آورد. بنابراین، دولتمردان جدید رجعت دوباره به منابع هویت‌ساز سیاست خارجی جمهوری اسلامی و بازتعریف آنها را در دستور کار خود قرار دادند. نتیجه طبیعی این فرایند، تغییر در رویکرد سیاست خارجی اصول‌گرایان به سوی رویکردی بود که مولد رفتارهای روالمند پیش از دولت‌های سازندگی و اصلاحات باشد. تحلیل محتوای کمی اظهارات رئیس‌جمهور در سازمان ملل این تغییر رویکرد را عینی می‌سازد که به معنای تأیید فرضیه اصلی مقاله است.

منابع

- احمدی نژاد، محمود (۱۳۸۶): *تجلی هویت ایرانی در نیویورک*، تهران: مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری.
- احتشامی، انوشیروان (۱۳۷۸): *سیاست خارجی ایران در دوران سازندگی*، ترجمه ابراهیم متقی و زهره پوستین چی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- احمدی، حمید (۱۳۸۴): «دین و ملیت در هویت ایرانی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۶۷.
- ادیب‌زاده مجید (۱۳۸۷): *زیان، گفتمان و سیاست خارجی*، تهران: اختران.
- بلیکی، نورمن. (۱۳۸۹): *طراحی پژوهش‌های اجتماعی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نی.
- توکلی طرقي، محمد (۱۳۸۲): *تجدد بومی و بازناندیشی تاریخ*، تهران: تاریخ ایران.
- جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۹): «نقش تنگناهای ژئوپلیتیکی عراق در اشغال کویت»، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال ششم، شماره سوم، پاییز، ۶۹-۴۵.
- خدادادیان، اردشیر (۱۳۸۳): *تاریخ ایران باستان*، تهران: سخن.
- درخشه، سید جلال (۱۳۸۸): «بازتفسیر مفاهیم دینی و تأثیر آن بر شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره دوم، ۸۷-۱۲۲.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۳): «طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره سوم، پائیز ۱۳۸۳، ۴۷۵-۴۹۸.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۸): «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *معرفت سیاسی*، سال اول، شماره اول، ۱۹۳-۱۵۷.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال و وحید نوری (۱۳۹۱): *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران اصول‌گرایی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- رضایی‌راد، محمد (۱۳۷۸): *اندیشه سیاسی در خرد مزدايي*، تهران: طرح نو.
- سید امامی، کاووس (۱۳۸۷): *پژوهش در علوم سیاسی*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چ دوم.
- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱): *فقه سیاسی اسلام*، قم: ص.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۸۰): *منتخب‌الاثرفی الامام الثانی عشر*، قم: ناشر: مؤلف.

- طیسی، نجم‌الدین (۱۳۸۲): *چشم‌اندازی به حکومت مهدی (عج)*، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- عشقی، لیلی (۱۳۷۹): *زمانی غیر زمان‌ها: امام، شیعه و ایران*، ترجمه دکتر احمد نقیب‌زاده، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۸): «انقلاب اسلامی و نقش مهدوت و انتظار»، در *مجموعه آثار چهارمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، ج ۲، قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی (ص)، صص ۲۸۷-۳۱۱.
- فولر، گراهام (۱۳۷۳): *قبیله عالم ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، تهران: مرکز کریپندورف، کلووس (۱۳۹۰): *تحلیل محتوا: مبانی روش‌شناسی*، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸): *تجدد و تشخیص*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت (۱۳۸۶): «سازمان‌گاری، هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دوره ۳۷، شماره ۴، ۲۲۷-۲۰۹.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۷): «هویت ایرانی در آستانه سده بیست‌ویکم»، *اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، سال چهاردهم، شماره نهم و دهم.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۳): «جایگاه روحیه عدالتخواهی در هویت ملی ایرانیان»، در داود میرمحمدی، *گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران*، تهران: تمدن ایرانی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۵): «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازمان‌گاری»، در نسرین مصفا، *نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مشیرزاده، حمیرا و مسعودی، حیدرعلی (۱۳۸۸): «هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹، شماره ۴، ۲۶۹-۲۵۱.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۳): *خدمات متقابل اسلام و ایران*، در مجموعه آثار، ج ۱۴، تهران: صدرا.
- موسوی خمینی، (امام) روح‌الله (۱۳۶۹): *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- موسوی، میرطیب (۱۳۸۴): *مسائل سیاسی اقتصادی جهانی نفت*، تهران: مردمسالاری.
- مولانا، سید حمید و محمدی، منوچهر (۱۳۸۸): *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، تهران: دادگستر، ج سوم.
- مهرآبادی، میترا (۱۳۸۰): *تاریخ کامل ایران باستان*، تهران: افراسیاب.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۱): *تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- هوار، کلمان (۱۳۶۳): *ایران و تمدن ایرانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴): *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی*، تهران: امیرکبیر.

- Bowen, Wyn Q. & Joanna Kidd (2004); "The Iranian Nuclear Challenge", *International Affairs*, Vol. 80 No. 2: 257-276.
- Chubin, Shahram & Robert S. Litwak, (2003) "Debating Iran's Nuclear Aspirations", *Washington Quarterly*, Vol. 26 No. 4: 99-114.
- Clawson, Patrick (2010); *The Red Line: How to assess Progress in U.S. Iran Policy*, Washington, DC: Washington institute for Near East Policy.
- Giddens, Antony (1991); *Modernity and Self-Identity: Self and Society in the Late Modern Age*, Cambridge: Polity.
- Hopf, Ted (2010); "The logic of habit in International Relations", *European Journal of International Relations*, Vol.16, No.4: 539-561.
- Jain, Ash. (2011); *Nuclear Weapons and Iran's Global Ambitions: Troubling Scenarios*, Washington, DC: Washington institute for Near East Policy.
- Kemp, Geoffrey, (2003); "How To Stop Iranian Bomb?" *The National Interest*, 72:48-58.
- Krolikowski, Alanna (2008); *State Personhood in Ontological Security Theories of International Relations and Chinese Nationalism: A Sceptical view*, Chinese Journal of International Politics, Vol. 2:109-133.
- Mitzen, Jennifer (2004); *Ontological Security in World Politics and Implications for the Study of European Security*, Accessible at:
<http://www.sv.uio.no/arena/english/research/projects/cidel/old/WorkshopOsloSecurity/Mitzen.pdf>
- Mitzen, Jennifer (2006); "Ontological Security in World Politics: State Identity and the Security Dilemma", *European Journal of International Relations*, Vol. 12, No. 3: 341-370.
- Moshirzadeh, Homeira, (2007); "Discursive Foundations of Iran's Nuclear Policy", *Security Dialogue*, Vol. 38 No.4: 521-543.
- Paarlberg Robert L. (2004); "Knowledge as Power", *International Security*, Vol. 29, NO.1: 122-151.
- Sahimi, Mohammad, Pirouz Mojtahedzadeh & Kaveh Afrasiabi (2003); "Iran Needs Nuclear Power", *International Herald Tribune*, 14 October.

www.fardanews.com
www.jahannews.com
www.jahannews.com
www.jahannews.com
www.Leader.ir
www.presidency.ir
www.president.ir
www.presstv.ir
www.rt.com
www.SPK-gov.ir